

صهیونیسم: «وقتی بی عدالتی قانون شود، مقاومت وظیفه می شود»

پروژه‌ای که در اواخر قرن نوزدهم از منطق استعماری اروپا زاده شد، در ناسیونالیسم قومی غسل تعمید یافت و تحت پوشش رستگاری مذهبی به بازار عرضه شد، امروز به یکی از بزرگ‌ترین موتورهای رنج در جهان مدرن تبدیل شده است. فاجعه نه تنها در آن چیزی است که اسرائیل با فلسطینیان می‌کند، بلکه در این است که دنیای به اصطلاح متمدن چگونه قوانین، زبان و اخلاق خود را تحریف می‌کند تا برای آن بهانه‌تراشی کند. تنها فلسطین نیست که تحت محاصره است. حقیقت است. عدالت است. خود بشریت است.

جنون مسیحایی: جنگ نابودی نتانیا‌هو

وقتی بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر اسرائیل، پس از ۷ اکتبر با استناد به گفتمان کتاب مقدس - خواستار نابودی «عمالک» شد و این کارزار را به عنوان جنگی بین «فرزندان نور» و «فرزندان تاریکی» توصیف کرد - صرفاً به یک عملیات نظامی اشاره نمی‌کرد. او یک جنگ صلیبی نسل‌کشی را اعلام کرد. این ناسیونالیسم مسیحایی بود که در نقاب حق الهی پیچیده شده بود. در متون یهودی، «عمالک» به دشمنی اشاره دارد که باید به طور کامل نابود شود، از جمله زنان و کودکان. این تصادفی نبود. این صهیونیسم بی نقاب بود: ترکیبی سمی از ناسیونالیسم افراطی و نظامی‌گری آخرالزمانی. جنبشی استعماری-مهاجر که در برتری الهیاتی پنهان شده است. و این روح یک ملت - و وجدان جهان - را می‌بلعد.

«اکنون برو و عمالک را بزن و هر آنچه دارند را نابود کن. آنها را نبخش، بلکه مرد و زن، کودک و نوزاد، گاو و گوسفند، شتر و الاغ را بکش.» (ساموئیل اول ۱۵:۳)

صهیونیسم یهودیت نیست

اسرائیل ادعا می‌کند که دولت یهودی است. اما یهودیت صهیونیسم نیست. یهودیت هزاران سال از دولت اسرائیل قدیمی‌تر است. این ایمانی است که در عدالت، حافظه و قانون اخلاقی ریشه دارد. هیچ دولت اسلامی ادعا نمی‌کند که نماینده همه مسلمانان است. حتی واتیکان ادعا نمی‌کند که نماینده همه مسیحیان است. اما اسرائیل ادعا می‌کند که به نمایندگی از همه یهودیان سخن می‌گوید - این ادعا را برای ساکت کردن مخالفان، جرم‌انگاری انتقاد و فرار از مسئولیت به کار می‌گیرد.

صهیونیسم یک جنبش سیاسی قرن نوزدهمی است که در منطق نژادی اروپا و حق استعماری ریشه دارد. در سال ۱۸۹۷ متولد شد و در سال ۱۹۳۳ با نازی‌ها تحت توافق‌ها و آوارا همکاری کرد تا یهودیان را به فلسطین منتقل کند، در حالی که تحریم ضدفاشیستی به رهبری یهودیان علیه آلمان را تضعیف کرد. از تاکتیک‌هایی استفاده کرد که امروز تروریسم نامیده می‌شوند - بمب‌گذاری‌ها، ترورها و پاکسازی قومی - برای اخراج قیومیت بریتانیا و جمعیت بومی فلسطینی.

در سال ۱۹۴۸، اسرائیل خود را به عنوان یک دولت اعلام کرد، بیش از ۷۰۰,۰۰۰ فلسطینی را در ناکبای اخراج کرد، روستاهای آنها را نابود کرد و روایت را بازنویسی کرد. از آن زمان، اسرائیل به عنوان یک رژیم آپارتاید عمل کرده است - زمین ها را ضمیمه کرده، خانه ها را تخریب کرده، کودکان را دستگیر کرده و اشغال نظامی ای را تحمیل کرده که هر اصل از قوانین بین المللی را نقض می کند.

نقض عهد

و این فقط قانون بین المللی نیست - صهیونیسم همچنین قانون یهودی، **هالاخا**، را نقض می کند که شامل قوانین سختگیرانه ای برای جنگ است:

- غیرنظامیان باید در امان باشند
- به شهرها باید قبل از حمله صلح پیشنهاد شود
- درختان میوه ده نباید نابود شوند
- اسرا باید به صورت انسانی رفتار شوند
- گرسنگی، قتل بی رویه و ظلم غیرضروری ممنوع است

این قوانین اختیاری نیستند. آنها تورات هستند. و اسرائیل به طور سیستماتیک هر یک از آنها را نقض کرده است:

- عمداً مدارس، بیمارستان ها، نانوائی ها و پناهگاه ها را بمباران کرده است.
- از گرسنگی به عنوان سلاح جنگی استفاده کرده است.
- کمک ها را مسدود کرده، زیرساخت های آب را نابود کرده و برق بیش از ۲ میلیون نفر را قطع کرده است.
- باغ های میوه را نابود کرده، خانه ها را تخریب کرده و محله های کامل را پاکسازی قومی کرده است.

این دفاع نیست. این هتک حرمت است. خیانت به قانون یهودی، اخلاق یهودی و عهد یهودی با خدا.

پیکواخ نفش و بتصلم الوهیم

یهودیت سنتی معتقد است که زندگی انسان مقدس است. اصل **پیکواخ نفش** - وظیفه نجات جان - تقریباً بر هر فرمان دیگری اولویت دارد. زندگی ارزشی بی نهایت دارد. گرفتن یک زندگی بی گناه، هتک حرمت نام خداست.

علاوه بر این، یهودیت می آموزد که همه انسان ها **بتصلم الوهیم** آفریده شده اند - به تصویر خدا (پیدایش ۱:۲۷). این شامل فلسطینیان می شود. هر کودکی در غزه مهر الهی را بر خود دارد. هر زنی که زیر آوار مدفون شده، هر پدری که توسط پهپادها اعدام شده، هر خانواده ای که با محاصره گرسنگی کشیده، جرقه ای از تصویر خود خدا را در خود دارد.

انکار انسانیت آنها انکار خداست. قتل آنها به نام خدا **چیلول هاشم** است - هتک حرمت الهی.

داود در برابر جالوت

اسرائیل دوست دارد خود را به عنوان تنها دموکراسی در منطقه ای خصمانه به تصویر بکشد. در حقیقت، پیشرفته ترین ارتش خاورمیانه را در اختیار دارد، بدون قید و شرط توسط ایالات متحده حمایت می شود و با سلاح های هسته ای تحت دکترین

معروف به **گزینه شمشون** مجهز شده است.

با این حال، سگ‌هایی که کودکان پرتاب می‌کنند را با گلوله پاسخ می‌دهد. به موشک‌های بدوی حماس - که تقریباً همه توسط گنبد آهنین رهگیری می‌شوند - با بمب‌های ۲۰۰۰ پوندی پاسخ می‌دهد. حملات "پیشگیرانه" را در سراسر منطقه - یمن، سوریه، لبنان، ایران - انجام می‌دهد و وقتی مورد حمله متقابل قرار می‌گیرد، فریاد تروریسم سر می‌دهد. ترومای یهودی را برای توجیه قتل عام به سلاح تبدیل کرده است.

اما جهان در حال تغییر است. چشم‌ها باز می‌شوند. ظلم دیگر نمی‌تواند با زبان متعصبانه یا استناد به رنج‌های گذشته پنهان شود. خون بیش از حد آشکار است. اجساد بیش از حد زیادند.

همدستی ایالات متحده

ایالات متحده، حامی اصلی اسرائیل، از مدت‌ها پیش تقریباً هر قطعنامه‌ای که اسرائیل را در شورای امنیت سازمان ملل متحد مورد انتقاد قرار داده، وتو کرده است. اما حتی فراتر از این رفته است.

در سال‌های ۲۰۲۴-۲۰۲۵، ایالات متحده تحریم‌هایی را علیه کریم خان، دادستان ارشد دیوان کیفری بین‌المللی، و چندین قاضی دیوان کیفری بین‌المللی پس از صدور حکم‌های بازداشت برای بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، و یوآو گالانت، وزیر دفاع به اتهام جنایات علیه بشریت و جنای estimate در غزه اعمال کرد.

ایالات متحده همچنین فرانچسکا آلبانزه، گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد سرزمین‌های اشغالی فلسطین، را به دلیل جرأت گفتن حقیقت هدف قرار داد. در همین حال، نتانیاهو - موضوع حکم بازداشت بین‌المللی - آزادانه سفر می‌کند و توسط رهبران غربی، از جمله دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق در کاخ سفید، استقبال می‌شود.

رسانه‌های غربی و «اخلاقی‌ترین ارتش»

ارتش اسرائیل را «اخلاقی‌ترین ارتش جهان» می‌نامند. عبارتی که مانند کتاب مقدس تکرار می‌شود در حالی که بمب‌های ساخت آمریکا را بر اردوگاه‌های پناهندگان می‌ریزد، غیرنظامیانی که منتظر غذا هستند را قتل عام می‌کند و روزنامه‌نگاران، پزشکان و کودکان را هدف قرار می‌دهد.

رسانه‌های غربی، که ظاهراً نگهبان حقیقت هستند، به همدستی پیوسته‌اند. اوباش لینچ‌کننده شهرک‌نشینان در کرانه باختری را «درگیری» توصیف می‌کنند. نام کودکان فلسطینی کشته‌شده را پنهان می‌کنند در حالی که هر ادعای اسرائیلی را، هرچند بی‌اساس، تقویت می‌کنند. اتهامات یهودستیزی را به عنوان سلاحی برای ساکت کردن مخالفان به کار می‌برند.

سربازان اسرائیلی ویدیوهایی منتشر می‌کنند که در خانه‌های غارت‌شده فلسطینیان می‌رقصند، از مردگان تمسخر می‌کنند و آوارگی را جشن می‌گیرند. این پنهان نیست. این انکار نمی‌شود. این به نمایش گذاشته شده است. یک وارونگی وحشتناک از جنایات نازی‌ها: در حالی که نازی‌ها در خفا می‌کشتند، صهیونیست‌ها در برابر چشمان همه می‌کشدند - جهان را مسخره می‌کنند و آن را به توقف خودشان به چالش می‌کشند.

جنگ علیه وجدان بشری

آنچه در غزه در جریان است، تنها جنایتی علیه مردم فلسطین نیست - این جنایتی علیه بشریت است.

دیدن یکی از پیشرفته‌ترین ارتش‌های جهان که بمب‌های ۱۰۰,۰۰۰ دلاری را از جت‌های اف-۱۶ بر خانواده‌هایی که در چادرهای ۲۰ دلاری زندگی می‌کنند می‌ریزد، جنگ نیست - این تهاجمی به وجدان بشری است. دیدن اجساد سوخته نوزادان که به نام «دفاع از خود» توجیه می‌شود، توهینی به خود مفهوم اخلاق است.

اسرائیل می‌توانست اینترنت غزه را قطع کند، همان‌طور که برق، آب و کمک را قطع کرد. اما اینترنت را روشن نگه می‌دارد. چرا؟ زیرا می‌خواهد جهان ببیند. این جنگ روانی است. این تهدید است: ببینید ما چه می‌توانیم بکنیم - و بدانید که هیچ قانون، هیچ دادگاه، هیچ اصلی ما را متوقف نخواهد کرد.

این تنها جنگی علیه غزه نیست. این جنگی علیه شفقت است. جنگی علیه حقیقت. جنگی علیه روح شما.

نقض عهد بهایی دارد

عهد مجوز کشتن نیست. این عدالت، رحمت و فروتنی را می‌طلبد. و تورات هشدار می‌دهد: وقتی اسرائیل تعهدات اخلاقی خود را نقض می‌کند، خدا لطف خود را پس می‌گیرد.

«اگر از من اطاعت نکنید... شما را در میان ملت‌ها پراکنده می‌کنم و شمشیری را پس از شما می‌کشم.»
(لاویان ۲۶:۳۳)

صهیونیسم این عهد را شکسته است. زمین و قدرت را به بت تبدیل کرده است. بیوه، یتیم و غریبه را رها کرده است. سرزمین موعود را به گورستان تبدیل کرده است.

حسابرسی اجتناب‌ناپذیر است - قانونی، تاریخی و الهیاتی. خدای عدالت را نمی‌توان مسخره کرد. عهد سلاح نیست. و خون هر کودک از زمین فریاد می‌زند، بازتاب هشدار می‌دهد که به قابیل داده شد:

«چه کرده‌ای؟ صدای خون برادرت از زمین به سوی من فریاد می‌کند.» (پیدایش ۴:۱۰)

نتیجه‌گیری

جنایاتی که امروز در غزه انجام می‌شود، تنها علیه یک مردم نیست، بلکه علیه یک اصل است - اصل اینکه همه زندگی‌های انسانی ارزش دارند.

در حالی که جهان نظاره‌گر سوختن غزه است، تنها زندگی‌های فلسطینی نیستند که نابود می‌شوند - این معنای عدالت، قانون و کرامت انسانی است. صهیونیسم جهان را وارونه کرده است. جنگ را به صلح، استعمار را به دفاع از خود، قتل عام را به اخلاق تبدیل کرده است. نهادهای بین‌المللی را فاسد کرده، حقیقت‌گویان را ساکت کرده و یک دین باستانی را ربوده تا به برنامه‌ای ملی‌گرایانه برای فتح خدمت کند.

اما این پایان نیست. تاریخ تمام نشده است. و با کسانی که قدرت را بر اخلاق ترجیح داده‌اند، مهربان نخواهد بود.

هیچ امپراتوری برای همیشه دوام نمی‌آورد. و عدالت برای کسانی که سود را بر عدالت و ظلم را بر شفقت مقدم داشته‌اند، برقرار خواهد شد.

در جهانی که بی‌عدالتی قانون می‌شود، مقاومت جرم نیست.
این یک وظیفه است.